



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان

معاونت آموزشی و پژوهشی

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

طرح درس

تهیه کننده:

ربابه زروج حسینی

بهار ۹۱

امام سجاد (ع):

فاذا احسنت في تعليم الناس... زادك الله من فضله

اگر مردم را خوب آموزش دهی، خداوند از فضل خود بر (دانش) تو بیفزاید

جامعه در حال تغییر است، علم روز به روز رو به افزایش است. نیازهای فردی در حال تغییر می باشد ما نیز همراه این تغییرات باید در برنامه ریزی خود در سطح خرد و کلان تغییراتی ایجاد نماییم. اگر ما دانشکده و دانشگاه را به صورت یک مجموعه در نظر بگیریم مشاهده می کنیم که کارکرد آن به صورت یک نظام است یعنی با دریافت یک مجموعه درونداد (دانشجویان و ...) طی فرآیندی خاص (تجهیزات و روشهای تدریس و ...) به بازده با برون داد و دانش آموختگان موردنظر باید دست یابد. برای مشاهده کارکرد یک نظام به ظواهر امر نباید اکتفا نمود بلکه باید در پی شناخت عواملی بود که در کیفیت کارکرد نظام یا زیر نظام ها نقش تعیین کننده ای ایفا می نماید.

هدف اصلی از نوشتن lesson plan و Course plan این است که از چه الگویی برای برنامه ریزی درسی (تدوین، اجرا، ارزشیابی و ارتقاء) در آموزش استفاده می کنیم.

طرح برنامه ریزی درسی یا طرح درس توصیف کتبی فرآیند طرح ریزی یک برنامه درسی یا یک درس است که عنصر حیاتی تدریس می باشد و در فرد تقید ایجاد می کند، دانشجو را فعال کرده و هنر معلم را نشان می دهد. هدفهای مهم را روشن و از توجیهاات غلط جلوگیری می کند نظم منطقی را ایجاد کرده و محرک معلم و دانشجویان می باشد و راهی برای ایجاد انگیزه بوده و راه شناخت اهداف تعلیم، را نشان می دهد.

برای طراحی منظم درسی به مراحل زیر توجه می کنیم.

(۱) تعیین موضوع آموزشی عنوان کلی یا عناوین درس

(۲) گروه هدف

(۳) تعیین اهداف (اهداف کلی، جزئی، رفتاری)

(۴) روشهای تدریس

۵) وسایل و تجهیزات آموزشی

۶) فعالیتهای دانشجو

۷) ارزشیابی (تکوینی و تکمیلی)

توضیحات:

۱) موضوع آموزشی:

یعنی آنچه که آموخته می شود.

۲) گروه هدف:

با ذکر مشخصات فراگیران و تعداد آنها مشخص می شود.

۳) تعیین اهداف:

اهداف کلی: آن دسته از اهداف آموزشی که به صورت عبارتهای کلی بیان می شود و باید بتواند به این سوال پاسخ دهد برای چه چیزی برنامه ریخته می شود. در هدف کلی تغییر مطلوبی که باید در رفتار دانشجویان ایجاد شود را مشخص می کند و از افعالی مانند فهمیدن، دانستن، ارج نهادن، فکر کردن، قدردانی کردن، آشنا شدن، شناختن و خلق کردن استفاده می شود.

اهداف جزئی: اهداف جزئی از تجزیه اهداف کلی به دست می آیند ولی نسبت به هدفهای کلی، محدودتر و مشخص ترند. هدف کلی جهت را مشخص می کند در حالی که اهداف جزئی مقاصد را مشخص می سازند در نتیجه دارای جنبه های عملی بیشتری بوده و دارای حالاتی صریح، روشن و واضح می باشند.

پس از مشخص شدن اهداف کلی و تجزیه آن به اهداف جزئی، اهداف رفتاری مطرح می گردد.

اهداف رفتاری: رفتارهای ویژه عینی یا هدف اجرائی به آن دسته از هدفها اطلاق می شود که نوع رفتار و قابلیت را که انتظار داریم دانشجو پس از یادگیری مطلب خاص به آنها برسد مشخص می کنند و قابل مشاهده کردن، شنیدن، لمس کردن و سنجش می باشد.

برای نوشتن یک هدف رفتاری باید چهار جزء اساسی زیر که اختصار مرشد گفته می شود را رعایت نماید.

الف) محتوا: رفتار عینی که دانشجو در طول دوره آموزشی کسب می کند.

ب) رفتار: همان عمل یا قابلیت است که بروز آن را از دانشجو انتظار داریم.

ج) شرایط: برای پیشگیری از تعبیرهای متفاوت، گاهی لازم است رفتار نهایی را با ذکر شرایطی که مایلیم تحت آن شرایط دانشجو به هدف دست یابد را مشخص کنیم (امکانات، محدودیتها، تحت چه شرایطی و ...)

د) درجه مورد انتظار (معیار) که همان معیار سنجش می باشد:

برای تعیین اهداف رفتاری، رفتارهای ویژه عینی باید به نکات زیر توجه شود:

الف) با در نظر گرفتن هدف کلی، دانش و توانش و نگرش هایی را که انتظار می رود دانشجو در پایان دوره کسب نماید را لیست کند.

ب) آنچه لیست می شود باید از اجزای هدف کلی باشد و نه چیزی کمتری یا بیشتر از آن

ج) فعالیتهای موردنظر را باید به صورت رفتاری و قابل رویت تعیین نمود.

هدفهای آموزشی بسیار متنوع هستند و برای سهولت مطالعه، آنها را به گونه ای مختلف طبقه بندی کرده اند. معروفترین طبقه بندی از هدفهای آموزشی به وسیله گروهی از متخصصان آموزشی و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تهیه شده و به نام بنجامین اس، بلوم که سرپرستی این گروه را به عهده داشته، معروف گشته است.

در این طبقه بندی هدفهای آموزشی ابتدا به سه طبقه کلی به صورت ذیل تقسیم شده اند.

الف) حوزه شناختی Cognitive domain

ب) حوزه عاطفی (نگرشی) Affective domain

ج) حوزه روانی - حرکتی Psychomotor domain

حوزه شناختی را بلوم و همکاران در شش طبقه کلی طبقه بندی کرده اند:

دانش Knowledge	فهم Comprehension	کاربرد Application
تجزیه و تحلیل Analysis	ترکیب Synthesis	ارزشیابی Evaluation

(۱) دانش:

در این سطح از یادگیری، آموخته ها جنبه حفظی دارد و متضمن به یاد سپردن و یادآوری مطالب مانند نام ها، جداول، طبقه بندی ها، روشها و نظایر آن بدون ایجاد تغییر در آنهاست.

(۲) درک و فهم:

یادگیری در سطح ادراک مستلزم توانایی به خاطر سپردن و درک مطلب و ارائه آنها با عباراتی است که دانشجو شخصاً می سازد بدون اینکه قادر باشد میان آن مطلب با مطالب دیگر چندان ارتباطی برقرار کند.

(۳) کاربرد:

در این طبقه دانشجو قادر است اصول علمی و معلومات کسب شده و در شرایط و پدیده های جدید و موقعیت های عملی بدون اینکه هیچگونه راه حلی ارائه شود به کار گیرد.

۴) تجزیه و تحلیل:

یادگیری در حد تجزیه و تحلیل مستلزم توانایی خرد کردن و تجزیه مطالب به اجزا تشکیل دهنده آنها در مشخص ساختن ارتباط آن اجزا با یکدیگر است. این طبقه تجزیه و تحلیل کل دیدن است ولی نوآوری ندارد.

۵) یادگیری در حد ترکیب مستلزم توانایی اتصال و به هم گروه زدن و ترکیب مجدد تجارب پیشین یا مواد نو است همراه با نتیجه جدید و بدیع.

۶) ارزشیابی:

عالی ترین سطح حیطة شناختی است. کسانی که به این سطح از مهارت رسیده اند می توانند درباره ارزش کارها، اندیشه ها، بیانیه ها و ... بر اساس معیارها یا ضابطه های مناسب داوری آگاهانه انجام دهند.

حوزه عاطفی آن قسمت از اهداف آموزشی که سبب تغییر نگرشها، عواطف، علایق و ارزشها می شوند را کراتول و بلوم در ۵ طبقه، طبقه بندی کرده اند:

پاسخ دادن Responsivity

دریافت کردن Recevity

سازمان دادن به ارزشها Organization of values

ارزش گذاردن Valuing

تبلور در شخصیت Characterization

۱) دریافت:

شامل رفتارهایی است که از وجود پدیده خبر می دهند و میل به تحمل در برابر شنیدن یا دیدن آن را نمایان می سازند.

۲) پاسخ دادن (واکنش)

پس از دریافت و توجه به یک پدیده از فراگیر انتظار می رود که گامی فراتر نهد و احساس خود را فعالانه نمایان سازد مثل کسب لذت از صحبت کردن با افراد مختلف

۳) ارزش گذاری (ارج نهادن)

اشخاص برای اشیا یا پدیده ها یا رفتارها ارزش خاصی قائلند. رفتار شخص نشان دهنده داشتن یک عقیده یا گرایش با ثبات است. ارزش های بالاتر و دارای ثبات بیشتر شخص را نسبت به آن پدیده یا رفتار متعهد می کند.

۴) سازماندهی ارزشها

در این سطح، شخص پس از اینکه ارزشها را در خود پذیرفت ناگزیر خواهد بود که این ارزشها و ارزشهای دیگر را به نحوی با یکدیگر تطبیق و سازماندهی کند.

۵) تبلور در شخصیت

در این سطح شخص دارای نظامی از ارزشها می شود که رفتار وی را برای مدتی طولانی کنترل می کند تا این که نوعی شخصیت در وجود او پدیدار شود.

حوزه روانی - حرکتی طبق طبقه بندی سیمپسون دارای ۷ طبقه می باشد:

ادراک Preception آمادگی یا آمایه set

پاسخ هدایت شده Guided response مکانیزم Mechanism

پاسخ پیچیده آشکار Complex overt response انطباق Adaptation

ابتکار Origination

در این حیطه اهدافی قرار دارند که تفکر و تعلق از یک طرف و توانمندی ها و مهارتهای جسمی از طرف دیگر در آن دخالت دارند. مهارتهای عملی در زمینه های بالینی و کلینیکی، کارهای

آزمایشگاهی، جراحی و ... را شامل می شود. دوه Dave هدفهای تربیتی در این حیطة را طبقه بندی کرده

(۱) مشاهده و تقلید

در این مرحله دانشجو به مشاهده رفتار استا د خود که مشغول انجام مهارت مورد نظر است می پردازد. او ترتیب وقوع حرکات، رابطه موجود بین آنها و محصول نهایی رفتار خود را به دقت مشاهده می کند.

(۲) اجرای عمل مستقل

در این مرحله سطح یادگیری اندکی بالاتر رفته و به مرحله اجرای آگاهانه تر عمل می رسد و میزان وابستگی دانشجو به استاد کمتر می شود و نظارت استاد همچنان ادامه می یابد.

(۳) دقت در عمل

اجرای عمل در مرحله قبل ممکن است از سرعت و دقت کافی برخوردار نباشد اما در این مرحله سرعت، ظرافت و دقت بیشتر می شود.

(۴) هماهنگی حرکات

یعنی برقرار هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال با رعایت نظم و کارایی لازم

(۵) عادی شدن عمل

طی این مرحله دانشجو به طور خودکار به انجام دادن کارهای دقیق و موزون می پردازد. از آنجا که اهداف حیطة شناختی جنبه نظری و فکری دارد به آنان سر (Head) و اهداف حیطة عاطفی چون سبب تغییر نگرش می شوند به آن قلب (heart) و اهداف حیطة روانی - حرکتی که جنبه مهارتی دارند را دست (hand) می گویند که به سه H معروفند.

افعال مورد استفاده در حوزه شناختی

۱- توضیح دادن، نوشتن، تعریف کردن، کشیدن، شمارش کردن، ترجمه کردن، تجزیه و تحلیل کردن، مرتب کردن

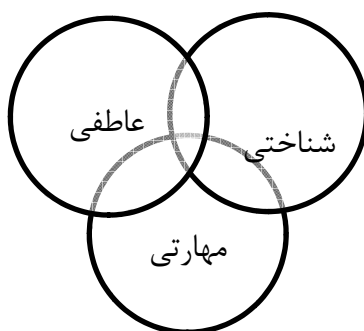
افعال مورد استفاده در حوزه عاطفی

توسعه دادن، دریافت کردن، تشخیص دادن، پذیرفتن، قضاوت کردن، برگزیدن

افعال مورد استفاده در حوزه روانی - حرکتی

ساختن، تعیین کردن، کشف کردن، اجرا کردن، تایپ کردن

ارتباط حیطة های سه گانه همانند دایره ای متداخلی هستند که در حوزه یکدیگر اثر می گذارند، وقتی می گوئیم دانشجویان قواعد و دستورالعمل ها را با علاقمندی به کار می بندد و هر سه حیطة مورد نظر است اما بعد رفتاری غالب باشد، به طور مثال وقتی دانشجو بیمار را معاینه می کند قواعد و دستورالعمل و نشانه های بیماری را می داند (حیطة شناختی) با حالتی دوستانه و احساس همدردی با بیمار برخورد نماید (حیطة عاطفی) و دست و چشم و گوش و زبان وی با هماهنگی یکدیگر و با مهارت معاینه فیزیکی را انجام می دهد (حیطة مهارتی).



ارتباط سه حیطة با یکدیگر

روشهای تدریس

برای انتخاب روشهای تدریس باید خط مشی آموزشی و محتوای آموزش مشخص و متناسب با هدفها انتخاب و تنظیم شود. اگر هدفهای آموزشی دقیق و صریح باشند اما انتخاب فعالیتها، محتوی، روشها و شیوه های آموزشی صریح و منظم نباشد هرگز دانشجویان به آنچه که باید برسند هدایت نخواهند شد.

روشهای آموزشی در سالهای اخیر دستخوش تحولات عمده ای شده اند و روشهای سنتی آموزش به وسیله سخنرانی جای خود را به روشهایی داده است که به عنوان فرآیند یاددهی و یادگیری شناخته می شوند که از طریق آن استاد یادگیری دانشجویان را بسیار تسهیل می کند که هر کدام از روشها با محاسن و معایبی همراه می باشند. مانند سخنرانی، پروژه، PBL, Small group, GDL و ... که در جزوات آموزشی آتی به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۵) وسایل و تجهیزات آموزشی

در طراحی سیستماتیک آموزشی بایستی دقیقاً لیست مواد و سایلی که مورد استفاده قرار می گیرند از قبل تهیه گردد. در انتخاب مواد و وسایل آموزشی بایستی به عوامل زیر توجه داشت:

- تواناییها و سوابق فراگیران

- نوع و تعداد هدفهای آموزشی

- تناسب مواد و وسایل با منظور و هدف موردنظر

- مواد و وسایل موجود

- امکانات مالی

۶) فعالیتهای دانشجو

تشخیص کار و فعالیتی که باید توسط دانشجو انجام شود. به موضوع درس، موقعیت کلاس، وضع و نیاز دانشجویان بستگی دارد. بنابراین فرمول کلی برای آن نمی توان پیشنهاد نمود به مواردی مانند خواندن بخشهایی از کتاب، ترسیم یک نمودار، شرکت در بحث، نوشتن یک گزارش، ترجمه، تمرین و ... می توان اشاره نمود.

جهت تعیین تکالیف برای دانشجویان رعایت نکات زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- در تعیین تکلیف باید به اختلافات فردی دانشجویان از نظر توانایی و علاقمندی های گوناگون و آمادگی آنان توجه داشت و تا حد امکان تنوعی در نوع تکالیف ایجاد کرد.
- ۲- تکلیف نباید در طول دوره آموزشی یکنواخت باشد بلکه بهتر است متنوع باشد تا دانشجویان نسبت به تکلیفهای آینده کنجکاو باشند.
- ۳- ارائه تکلیف به خاطر ارضای حس کنجکاوی و وصول به نتیجه ای باشد که در رشد و پیشرفت فکری و یادگیری دانشجویان موثر باشد.
- ۴- تکلیف باید وسیله موثری برای یادگیری و فهم آسان درس باشد و دانشجو را به تفکر و بررسی راهنمایی کند و او را توانا سازد تا بتواند به حل دشواریهای مربوط به درس های خود موفق گردد.
- ۵- هنگام تعیین تکلیف باید مطمئن شد که دانشجو در تجربه های قبلی مشکلی ندارد چون تکلیف اصولاً یک مساله تازه را به تجربه و معلومات دانشجو مربوط می سازد.
- ۶- تکلیف باید با وقت دانشجویان نیز متناسب باشد.
- ۷- اساتید باید در ارائه تکلیف به دانشجویان زمان ارائه مناسب و مدت مناسب را در نظر داشته باشند.

۸- استاد باید خود را موظف و مسئول بداند تا تکالیف دانشجویان را مطالعه نموده و اشکالات آنها را اصلاح و اظهارنظر نماید و به دانشجو فیدبک بدهد دانشجو باید توجه شود که انجام تکالیف تعیین شده مرحله ای از آموزش است نه جریمه و نه تنبیه وی.

۹- با ارائه تکالیف متعدد و طاقت فرسا نباید وقت مطالعه دروس را از دانشجو گرفت و باعث دلزدگی او شد.

۷) ارزشیابی تکوینی و تکمیلی

هنگامی می توانیم ادعای شکل گرفتن روند یاددهی و یادگیری را بیان کنیم که یک سلسله تغییرات مطلوب در رفتار دانشجویان پدید آمده باشد. باید توجه داشت که ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانشجویان و یا آموخته های هر گروهی که تحت آموزش قرار می گیرند باید با توجه به اهداف آموزشی صورت گیرد.

اهداف ارزشیابی

- قضاوت در مورد برتری در مهارتها و دانش ضروری

- سنجش پیشرفت در طول زمان

- رتبه بندی دانشجویان

- تشخیص مشکلات دانشجویان

- ارزشیابی تاثیر یک دوره آموزشی

- برانگیختن دانشجویان برای مطالعه

ابزار ارزشیابی:

جهت ارزشیابی سطوح یادگیری دانشجویان می توان از مشاهده مستقیم، مشاهده غیر مستقیم، چک لیست، پرسشنامه، log book, port folio و مصاحبه ، برگزاری آزمونها و ... استفاده نمود.

ارزیابی هر یک حیطة ها با توجه به خصوصیات هر حیطة متفاوت می باشد متعاقباً توضیحات انواع روشهای ارزشیابی خدمتتان تقدیم می گردد. قابل ذکر است که روش طراحی سوالات چهارگزینه ای قبلاً حضورتان ارائه شده است.

ارزشیابی تکوینی: در طول دوره آموزشی به منظور هدایت پیشرفت تحصیلی و شناسایی قوت و ضعف دانشجویان و یا ... انجام می شود.

ارزشیابی پایانی یا تراکمی: در پایان یک دوره و مقطع آموزشی انجام می شود. هدف از این ارزشیابی قضاوت در مورد فرد یا گروه یا موسسه می باشد و نتایج آن در سرنوشت افراد تأثیر دارد.

منابع:

- ۱- صابریان، معصومه. سالمی، صدیقه. چگونه طرح درس بنویسیم. تهران: نشر سالمی، ۱۳۸۱
- ۲- جوام، محمدحسین و پاشا شریفی، حسن. فنون و مهارت‌های تدریس. قم: شفق، ۱۳۶۷
- ۳- سیف، علی اکبر. اندازه گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۵
- ۴- برگرفته از جزوه های تدریس شده دوره کارشناسی ارشد آموزش پزشکی توسط جناب آقای دکتر

شهرام یزدانی